

تحلیلی بر ویژگی‌های نمادساز رهبری امام خمینی(ره) در میدان دفاع مقدس

مجید استوار^{*}

چکیده:

هدف: یکی از ویژگی‌های دفاع مقدس، عملکرد اعجاب برانگیز امام خمینی (ره) در میدان مبارزه سیاسی و نظامی و همراهی همه جانبه رزمندگان با وی بود. هدف پژوهش حاضر اینست که نقش بی همتای امام(ره) را در هدایت و راهبری جنگ ایران و عراق مورد واکاوی قرار دهد. بنابراین پرسش بنیادی پژوهش این است که امام خمینی (ره) چگونه بر رزمندگان ایرانی تاثیر می گذاشت و رهبری ایشان در دفاع مقدس بر چه مولفه‌هایی استوار بود؟ به منظور پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهش بر پایه عملکرد امام خمینی (ره) بر مبنای قدرت نمادین در میدان مبارزه و جنگ مورد توجه قرار گرفته است.

روش شناسی پژوهش: روش شناسی پژوهش کیفی است و پژوهش حاضر به روش تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می دهد امام خمینی (ره) با اتکاء بر زبان و قدرت نمادین و بکارگیری جنبه‌های نمادین اسلام شیعه طی هشت سال دفاع مقدس، در مقابل رژیم بعثی عراق نسبت به بسیج مردم مباردت کردند و امنیت را برای ایران حفظ نمودند.

نتیجه گیری: امام خمینی (ره) با ویژگی‌های زبانی و شخصیتی منحصر بفرد و با استفاده از نمادهای شیعه نظیر شهادت، امام حسین (ع) و ولایت، میدان سیاسی و اجتماعی جنگ را پر معنا، نمادین و فرا زمینی ساختند و همگان به واسطه عملکرد قدرت نمادین امام در میدان جنگ، از وی اطاعتی بی چون و چرا کردند و در نتیجه میدان جنگ به یکی از نمادین ترین دوره‌های تاریخ ساز این سرزمین تبدیل شد.

کلید واژه‌ها: قدرت نمادین، زبان، امام خمینی (ره)، جنگ، اسلام شیعه

مقدمه

جنگ‌ها از جمله رویدادهای نمادساز هر جامعه‌ای به شمار می‌روند. این واقعه گاه به عنوان نمادی افتخارآفرین و برساننده و گاه به عنوان نمادی سوگ‌آفرین و انحطاط‌آفرین در خاطره جمعی ثبت و ضبط می‌گردد. با نگاهی به تاریخ جنگ‌های معاصر ایران از جنگ چالدران تا جنگ میان ایران و روسیه می‌توان به خاطره جمعی سوگوار و هویت‌سوز ایرانیان در پی این شکست‌های بزرگ دست یافت. اما جنگ تحمیلی هشت ساله میان ایران و عراق به عنوان یکی از رخداد‌های نمادآفرین در تاریخ معاصر ایران، عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان را تحت تاثیر قرار داده است. این واقعه نمادآفرین جنبه‌های فراوانی از نمادهای اسلامی و ملی را در خود نهفته دارد و در تاریخ ایران به بزرگترین عرصه نمادین تبدیل شده است. در جنگ هشت ساله میان ایران و عراق، زیست‌زمینی آدمیان معنا و مفهوم دیگری پیدا کرد و منطق رفتاری رزمندگان از ویژگی‌های فرازمینی برخوردار بود. تا آنجا که اولویت‌های زیستی و روزمره به فراموشی سپرده شد و ارزش‌ها و آرمان‌های جدیدی که مملو از مفاهیم آن جهانی بود جانشین مفاهیم و ارزش‌های این جهانی شد. بروز جنگ، سبب شد مردم ایران هویت و وطن و ناموس خود را در خطر ببینند و برای مقابله با دشمن بعثی با ترکیب عناصر دینی و ملی، به مقابله با دشمن متجاوز بشتابند. مرکز ثقل این نمادآفرینی، ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی (ره) و وجود نمادهای اسلام شیعه بوده است. فلذا این پرسش بوجود می‌آید امام خمینی (ره) چگونه بر رزمندگان ایرانی تاثیر می‌گذاشت و رهبری ایشان در دفاع مقدس بر چه مولفه‌هایی استوار بود؟ نگاهی به عملکرد نمادساز امام خمینی (ره) در میدان سیاسی - اجتماعی ایران از هوشمندی و فراست او در تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها حکایت دارد. وی از قدرتی برخوردار بود که توان بسیج سیاسی جوانان و جامعه را در مقابل دشمن بعثی فراهم می‌کرد و جامعه بدون چون و چرا از رهبری ایشان پیروی می‌کردند. بر این اساس فرضیه پژوهش بر این پایه شکل یافته که امام خمینی (ره) با بکارگیری زبان و قدرت نمادین در میدان مبارزه و اتکاء بر عناصر نمادین شیعه نسبت به بسیج مردم مبادرت می‌کردند. مفهوم «قدرت نمادین» بر ساخته جامعه‌شناس فرانسوی «پیر بوردیو»^۱ است. این قدرت ویژگی‌هایی دارد که بر اذهان آدمیان اثر می‌گذارد و همگان بدون چون و چرا گوش به فرامین فرمانده می‌دهند.

پیشینه پژوهش

«شهرام چوبین» و «چارلز تریپ» در کتاب «جنگ ایران و عراق؛ هویت، ایدئولوژی و واقعیت» (۱۹۹۱)، ضمن بررسی تاثیرات جنگ بر عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی ایران و عراق و منطقه خاورمیانه، بر اهمیت ایدئولوژی پردازی رهبران سیاسی و کشف ماهیت نخبگان سیاسی حاکم متمرکز می‌شوند.

1. Pierre Bourdieu

«سید عبدالامیر نبوی» در «میراث‌های جنگ»، (۱۳۸۴)، به بررسی تاثیر و پی‌آمدهای جنگ بر وجوه مختلف زیست اجتماعی می‌پردازد و «فرزاد پورسعید» در «جبهه، نمای نزدیک مردان رها شده از خاک (برداشتی از روایت سینمایی ابراهیم حاتمی کیا)»، (۱۳۸۴)، با بررسی جنگ و هویت بر ساخته از آن با تمرکز بر آثار سینمایی «حاتمی کیا»، تداوم سلحشوری و فداکاری جنگ را بر ساخت هویتی ایرانیان از دوران انقلاب اسلامی معرفی می‌کند.

«حسین بشیریه» در «کتاب انقلاب و بسیج سیاسی»، (۱۳۸۱)، به بررسی شکل‌گیری بسیج سیاسی و انقلابها می‌پردازد و در بحثی مفصل ویژگی‌ها و قدرت رهبری در بسیج توده‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد.

«مجید استوار» در کتاب «انقلاب اسلامی و نبرد نمادها»، (۱۳۹۲)، به شکل‌گیری انقلاب اسلامی و منازعه نمادین امام خمینی (ره) و رژیم پهلوی می‌پردازد و تلاش می‌کند ویژگی‌های نمادساز امام را در مقابل شاه و رژیم پهلوی به تصویر بکشد.

«حسین حسینی» در «رهبری و بسیج اجتماعی در جنگ: نمونه دفاع مقدس»، (۱۳۸۳)، به الگوهای رهبری در فرهنگ شیعی اشاره کرده و رهبری امام خمینی (ره) در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را براساس همان الگو بر مبنای رابطه امامان معصوم و پیروان معرفی می‌نماید. در انتها نیز ویژگی‌های شخصی امام در پیشبرد جنگ را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند.

«سید حسین ولی پور زرومی» در «هویت ملی و دفاع مقدس» (۱۳۸۴)، به نقش و جایگاه آموزه‌های دینی و هویت ملی در دفاع مقدس می‌پردازد و پنج مولفه هویت دفاعی، تسلیم‌ناپذیری و رویکرد عدالت‌محورانه، حاکمیت نظام صدقی اسلامی، بسیج و انسجام ملی و معنویت و روحیه ملی را به عنوان شاخص‌های موثر هویت ملی بر رفتارهای جنگی مورد بررسی قرار می‌دهد.

با بررسی آثار و نوشته‌های مرتبط با جنگ و دفاع مقدس به نظر می‌رسد عمده این پژوهش‌ها بر ویژگی‌های معنوی و دینی رهبری امام خمینی (ره) در هدایت جنگ متمرکز بوده‌اند و نسبت به ابعاد نمادین رهبری امام در مدیریت دفاع مقدس توجهی نداشته‌اند. فلذا با توجه به مغفول بودن مباحث نمادساز رهبری امام در دفاع مقدس این پژوهش در نظر دارد از منظر زبان و قدرت نمادین، ویژگی‌های نمادین رهبری امام در دفاع مقدس و شیوه‌های بسیج مردم را مورد توجه قرار دهد.

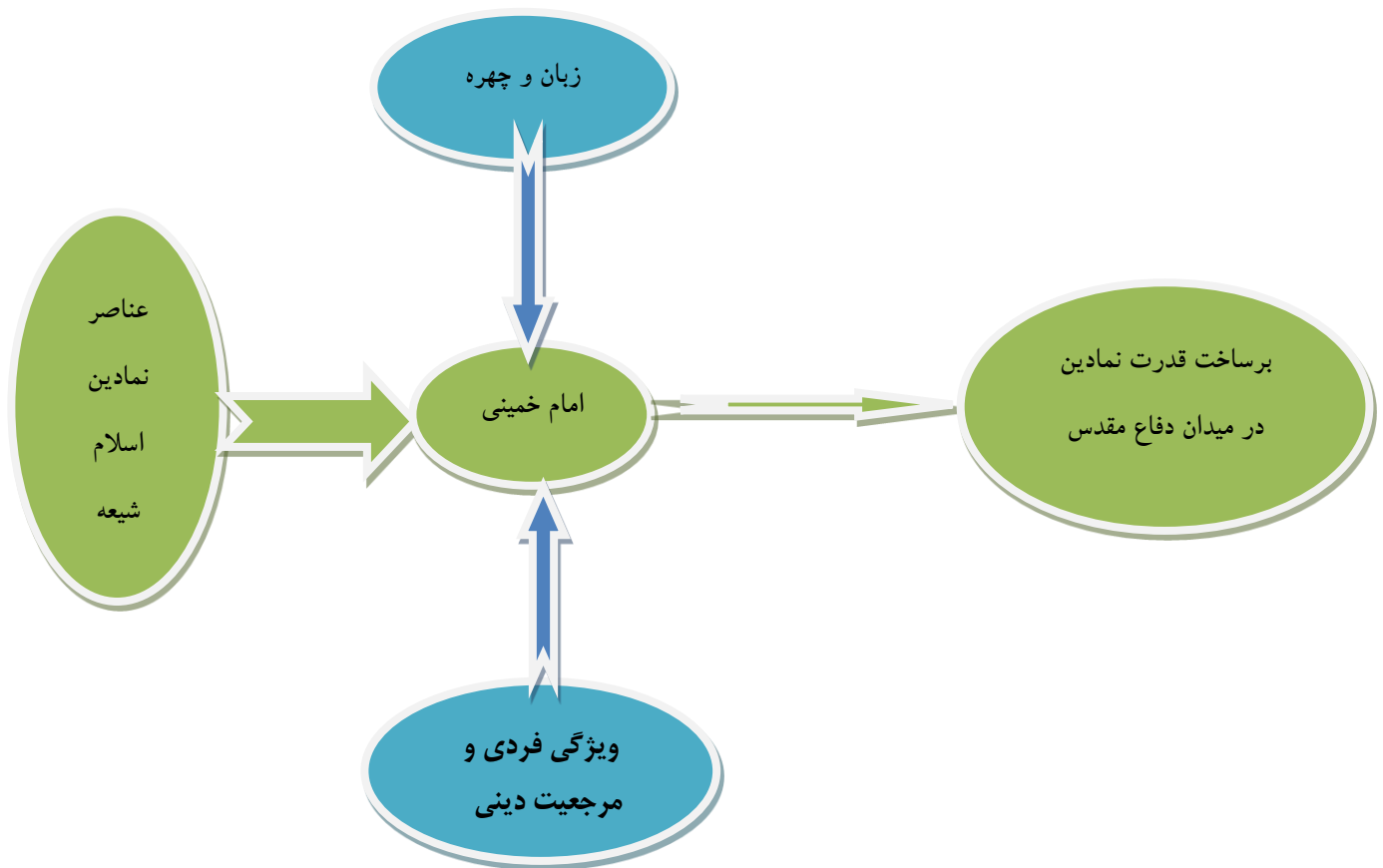
مبانی نظری پژوهش

«پیر بوردیو» جامعه‌شناس فرانسوی با اتکاء بر روش پراکسیولوژی^۱ به دنبال فراتر رفتن از تقابل‌های سوژه و ابژه در جامعه‌شناسی است و در جستجوی نقش افراد درون ساختارها تلاش می‌کند تعادلی میان ساختارهای عینی جامعه و عاملان اجتماعی ایجاد کند. از نظر وی رابطه دیالکتیکی میان کنشگران

اجتماعی و ساختارهای موجود بطور مرتب بازتولید می شود و نقش کنشگران درون این ساختارها قابل فهم است. (Bourdieu, 1990: 72). بوردیو با طرح این روش شناسی از مارکسیسم فاصله گرفته و نظریه خود را با تاکید بر اشکال نمادین و قدرت نمادین در تمامی فعالیت های اجتماعی و سیاسی تعمیم می دهد. وی در تحلیل ساختارهای اجتماعی، شیوه های مصرف را بجای شیوه های تولید بکار می برد و بدین ترتیب روابط اجتماعی، سخن گفتن، ژست های بدنی، نوع پوشش، شرکت در مراسم ها و آیین ها را نوعی نبرد و منازعه میان طبقات اجتماعی تفسیر می کند و هر فرد یا گروهی که مالک بیشترین سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و نمادین باشد، پیروز میدان اجتماعی یا سیاسی خواهد بود. بنابراین جایگاه های افراد بواسطه در اختیار داشتن این ویژگی ها تعیین می گردد. (Swartz, 1997: 65-75).

از آنجا که کنشگران اجتماعی درون میدان های سیاسی و اجتماعی نیازمند اعمال قدرت هستند و این اعمال قدرت با زیباسازی بازیگران مشروعیت می یابد، بوردیو به منظور واکاوی عملکرد این اعمال قدرت از مفهوم زبان و قدرت نمادین بهره می گیرد تا نشان دهد که چگونه ساختارهای عینی، کنش های عاملان اجتماعی را مشروع جلوه داده و درون اذهان جامعه باورپذیر می سازد. از این نظر زبان یکی از ابزارهای سلطه است که درون ارتباطات انسانی معنا و مفهوم می یابد و با به رسمیت شناختن آن توسط اطاعت کنندگان، مشروعیت یافته و عامل اقتدار می گردد. بنابراین سلطه مفاهیم و واژه های اثرگذار بر اذهان، هم به واسطه گویندگان آن و هم به واسطه پذیرندگان آن واژه ها بستگی دارد. فراگیری یک گفتار و اندیشه نیز به منطق بازار و پذیرش کالای ارایه دهندگان در این بازار وابسته است. در نتیجه زبان و قدرت در جوامع در ارتباطی تنگاتنگ با هم قرار دارند و بر مبنای نیاز جوامع است که زبان، نفوذی فراگیر پیدا می کند و اذهان را تحت تاثیر قرار می دهد. بطور کلی زبان به عنوان بخشی از قدرت نمادین در کاربست قدرت اهمیت می یابد و در میدان های مختلف اجتماعی، سیاسی یا ورزشی سبب مشروعیت افرادی می شود که بدین طریق بر افکار عمومی تسلط دارند. (استوار، ۱۳۹۲: ۵۶-۵۴). در نتیجه افراد تحت تاثیر صاحبان قدرت مشروع و رهبران قرار گرفته و حاضر به فداکاری می شوند و آرمانهای صاحبان قدرت نیز به آرمان های مشروع آن ها تبدیل می گردد. بوردیو در تعریف قدرت نمادین معتقد می گوید:

«جایی که قدرت در همه جا هست ولی آدمی نمی خواهد به چشم هایش زحمت دهد و ببیند که به گونه ای دیگر نیز می توان قدرت را دید. یک نیروی موثری که نقطه ثقل آن همه جا هست و هیچ جا نیست. یعنی امکان دیدن آن به سادگی وجود ندارد. این قدرت نمادین، قدرتی نامرئی است که فقط با هم دستی کسانی که آن را تحمل می کنند و نمی خواهند بدانند و کسانی که آن را اعمال می کنند و نمی خواهند بدانند، اعمال می شود.» (Bourdieu, 2005: 163-164). بنابراین چارچوب نظری پژوهش با اتکاء بر مفهوم قدرت نمادین شکل می گیرد و امام خمینی(ره) با اتکاء بر مولفه های زبانی، بدنی و عناصر نمادین اسلام شیعه درون میدان سیاسی یا اجتماعی جامعه ایران، نسبت به بسیج کنشگران انسانی مبادرت می کند. چارچوب مفهومی پژوهش به صورت شکل زیر مشخص شده است.



روش پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب روش تحقیق کیفی و از طریق مطالعات کتابخانه ای، به صورت نظری به تبیین عملکرد امام خمینی(ره) در میدان دفاع مقدس می پردازد و با بهره گیری از نظریه جامعه شناس فرانسوی «پیر بوردیو»، تلاش می کند با ارایه شواهد و مستندات تاریخی نشان دهد که چگونه امام خمینی (ره) با اتکاء بر ویژگی ها و خصلت های شخصی موفق شد مردم ایران را علیه تهاجم رژیم متجاوز بعثی متحد سازد. بر همین اساس ضمن بیان ویژگی های قدرت نمادین به عملکرد امام در میدان سیاسی دهه ۶۰ شمسی پرداخته تا ضمن وفاداری به چارچوب روشی پژوهش یعنی تاثیر متقابل قدرت نمادین و میدان سیاسی، مختصات این قدرت مورد بحث قرار گیرد. در ادامه به الگوهای نمادین شیعه پرداخته می شود.

الگوهای نمادین مذهب شیعه

دینداری یکی از مهمترین ویژگی های هویتی ایرانیان بوده است. مجاورت ایرانیان با دولت - شهرهای آسیای غربی زمینه های آشنایی آنان را با مفاهیمی مانند نمایندگی و کارگزاری خدا بر روی زمین فراهم کرده بود. با بهم ریختن توازن نهادها و شیوه حکمرانی حکیمانه در دوره ساسانی، دین اسلام و ویژگی های منحصر بفردش در جهان بینی توحیدی و تاکید بر برابری انسان ها در سرزمین ایران گسترش یافت. خردمندی ایرانیان در تولیدات فرهنگی و رشد و نمو وزرای مدبر در اداره سیاسی کشور و در نهایت ظهور سلسله صفوی در نفوذ مذهب تشیع در ایران بسیار حایز اهمیت است. (رجایی، ۱۳۹۲: ۱۳۰-۱۰۶). از یک سو اسلام به عنوان دینی اجتماعی و فراگیر و به جهت حفاظت از کیان دینی، تاکید ویژه ای بر مفهوم جهاد دارد و به تعبیر «دانکوارت روستو»^۱ «اسلام مبارزترین مذهب بزرگ جهان است» (Chubin & Tripp, 1991:32) و از سوی دیگر مذهب شیعه ترکیب معناداری با رمزگان پایدار فرهنگ ملی ایران پیدا کرده و با فرهنگ سیاسی ایران در همراهی دین و دولت همسو است. بسیاری از اسطوره های ایرانی در دوران گسترش تشیع در ایران جایگزین های شیعی پیدا کردند. حضرت امام علی (ع) به عنوان تجسم قهرمانی و پهلوانی، امام حسین (ع) تجسم مظلومیت و شهادت و حضرت فاطمه (س) به مظهر پاکی و نجابت تجلی یافتند و دین و سیاست در زیست سیاسی و اجتماعی معنا یافتند. صفویه به مانند ساسانیان، دین و نهاد مذهبی را به عنوان پشتوانه نظام سیاسی در ایران قرار دادند و سبب تداوم همسویی سیاست و دین و تقویت نخبگان مذهبی و روحانیت شیعه در دستگاه سیاسی و اجتماعی ایران شدند. با نگاهی به وقایع قرن نوزدهم از جنگهای ایران و روس تا جنبش تنباکو می توان به نقش مذهب و روحانیت شیعه در بسیج سیاسی و مبارزه با متجاوزین پی برد. (نقیب زاده، ۱۳۸۱: ۱۱۱۵-۱۱۱). بر این اساس اسلام و ایران پیوندی ناگسستنی با هم پیدا کرده و از عناصر مشترک تاریخی و ذهنی بهره می برند. در ادامه به مهمترین عناصر نمادین مذهب شیعه در ذهنیت ایرانیان پرداخته می شود.

امام حسین (ع) و شهادت

بزرگترین تجلی مظلومیت در باور ایرانیان، واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) می باشد. این واقعه در ناخودآگاه مردم نفوذی فراگیر دارد و سبب ساز تقویت روح سوگوار ایرانیان شده است. امام حسین (ع) به عنوان قهرمان کربلا از دو بُعد نمادین برخوردار هستند:

«نخست امام حسین (ع) تنها امام در مذهب شیعه اثنی عشری بود که
احقاق حق خلافت [امامت] خود را با قیام مسلحانه توأم کرد... دیگر

اینکه عنصر شهادت، که در این واقعه هست آشکارا جاذبه‌ای نیرومند برای همه نهضت‌های شیعی داشته است که نظام حاکم را به مبارزه طلبیده‌اند. بدین سان امام حسین (ع) تنها امامی است که فاجعه پایان عمرش می‌تواند نصب العین حماسی و اساطیری شیعیان مبارز اثنی عشری قرار گیرد. این فاجعه می‌تواند در متن خاص فرهنگ ایرانی، نه به خاطر رگه‌های ناسیونالیستی، و ضد عرب و ضد ترک در روایت‌های عامیانه، بلکه به خاطر آمیختگی در فرهنگ عامه با اسطوره قبل از اسلامی خون سیاوش، آن چنان که در شاهنامه فردوسی آمده، اهمیت و ابعاد بزرگ تری به خود بگیرد. در سروده‌های دینی اهل حق علوی بیان شده است که چگونه روح اعلای انسان کامل از طریق هابیل به جمشید و ایرج و از آنجا به امام حسین (ع) منتقل شده است. اسطوره سیاوش هر چند ویژگی‌های به کل متفاوتی دارد، بر مفهومی مشابه و یکسان با شهادت امام حسین (ع) بنا شده است: «خونی که بی‌گناه به زمین ریخته شد تا ابد خونخواهی می‌کند.» (عنایت، ۱۳۸۰: ۳۰۹).

در طول تاریخ مذهب تشیع، شیعیان تحت تاثیر قیام امام حسین (ع) نسبت به حکومت‌های ظالم واکنش نشان می‌دادند و بر حقانیت و مشروعیت امامان و راستگویان تاکید می‌کردند. از قیام ابومسلم خراسانی علیه امویان تا قیام امام خمینی (ره) علیه رژیم شاه می‌توان به جنبه‌های نمادین و تاثیرگذار عاشورا و امام حسین (ع) بر مبارزه علیه ظلم و ستم اشاره کرد.

ولایت و انتظار

از نظر هانری گربن محقق فرانسوی، خطوط اصلی اندیشه شیعه بر باطن و ولایت استوار است و با اتمام نبوت، دایره ولایت یا امامت آغاز می‌گردد. «امام»، راه فهم رموز شریعت و صاحب حقیقت شریعت، باطن و ظاهر است. (گربن، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۴). از نظر مذهب شیعه، امامان به مانند پیامبران معصوم‌اند و پس از دایره نبوت، دایره ولایت تداوم راه هدایت است. اعتقاد به ولایت به معنی بازگشت به ولایت خدا تعبیر می‌گردد و در زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان نقش بنیادی دارد. یعنی عرصه سیاست عرصه مقدسی است که تنها با حضور ولایت مشروعیت می‌یابد و همگان مکلف به اطاعت و پذیرش هستند و نافرمانی از ولایت، نافرمانی از خدا تلقی می‌گردد. در چنین دیدگاهی، زندگی اجتماعی و سیاسی ویژگی قدسی می‌یابد و حتی مفهوم انتظار نزد شیعیان به معنای اعتقاد به ولایت امام غائب تلقی می‌گردد. این اعتقاد، سبب ساز امید به عدالت و رهایی از هرگونه ظلم و ستم نزد شیعیان معنا و مفهوم پیدا می‌کند. بنابراین

اهمیت ظهور امام غائب نزد ایرانیان و تشیع در راستای اعتقاد به وقوع قیامت تلقی می‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۷۲).

بر اساس این باورها، «هانری کربن» روح ایرانیان را روحی اشراقی معرفی کرده و تداوم اندیشه روح ایرانی را در اعتقاد به ولایت و امام غائب از دوره ایران باستان تا دوره اسلام جستجو می‌کند. هانری کربن این امتداد نمادین ذهنیت ایرانیان را رویدادی قدسی و شکل دهنده جهان نمادین ایرانی می‌داند. از این نظر دراماتیک ترین باور ایرانیان همین انتظار امام غایب است که از حالات عمیق روح ایرانی سرچشمه می‌گیرد و همین باور نشانی از اعتقاد به مشیت الهی و قدسیت در ذهنیت ایرانی است. (کربن، ۱۳۸۴: ۹۳-۹۲). بنابراین مفهوم ولایت اعتقاد به تداوم راه امامت در شیعه است که ایرانیان با پیروی از رهبر و امام عصر خود بر تداوم رستگاری و همدلی با معصومین تاکید می‌کنند.

ظلم ستیزی

ظلم ستیزی یکی دیگر از مهمترین آموزه های اسلام در مقابل ستم حاکمان تلقی می‌گردد. در فصل دوم سیاست نامه، «خواجه نظام الملک» به صراحت مفهوم ظلم را مهم تر از کفر در پایداری نظام های سیاسی معرفی می‌کند و با اشاره به «الملک بیقی مع الکفر و لا بیقی مع الظلم»، رعایت انصاف، عدالت و دوری از ظلم را شرط بقای حکومت ها می‌داند (طوسی، ۱۳۸۸: ۱۰-۶).

دفاع از مظلوم و مبارزه با ظلم یکی از عناصر پایدار مذهب تشیع می‌باشد و این مظلومیت از روز سقیفه آغاز شد و در عاشورا به اوج رسید. این عناصر نمادین در باور پیروان مذهب شیعه به نیرویی قدرتمند برای مبارزه با حکومت های ظالم تبدیل شده و تبلور عملی آن را می‌توان در نهضت های اعتراضی مختار، ابومسلم خراسانی، سرداران، نهضت تنباکو و انقلاب اسلامی واکاوی کرد. این عناصر نمادین شیعه، نیرویی قدرت مند را برای مبارزه علیه ظالمان در طول تاریخ فراهم می‌کرد و از منظر تاریخ تشیع، به نظر می‌رسد روحانیان شیعه از مشروع ترین عناصر در مقابله با ظلم ستیزی نزد ذهنیت شیعیان تلقی می‌شود. در ادامه با توجه به این الگوهای نمادین شیعه، به معرفی مختصات میدان سیاسی و اجتماعی ایران و ویژگی های رهبری امام خمینی (ره) در پیوستگی با این عناصر نمادین و برساخت نیروی معنوی نبرد ایرانیان مقابل متجاوزان عراقی به کشورمان پرداخته می‌شود.

مختصات میدان سیاسی جنگ

تحلیل میدان سیاسی و اجتماعی ایران همزمان با آغاز حمله عراق به ایران در پیوندی نزدیک با شکل گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ قرار دارد. هر انقلابی برای چیره شدن بر رژیم حاکم نیازمند سه اصل اساسی است. رهبری، سازماندهی و ایدئولوژی بسیج سیاسی و از کار افتادن نیروی سرکوب. (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۰۲-۱۱۸). با نگاهی به سال ۱۳۵۷ و تمرکز همه قوا در اختیار شاه، بررسی ظهور و بروز امام خمینی (ره) بعنوان یک رهبر مذهبی مخالف رژیم شاه حایز اهمیت می‌باشد. میدان سیاسی و

اجتماعی ایران تحت تاثیر نوسازی غربگرایانه رژیم پهلوی از یکسو و پیدایش روشنفکران و تولیدکنندگان گفتمان ضدیت با غرب و شاه از سوی دیگر، دستخوش تحولاتی شگرف شده بود. «سرخوردگی توده‌های رها شده از غرب و نوسازیهای پهلوی از یکسو و ایدئولوژی‌سازیهای نمادین روشنفکرانی نظیر شریعتی از سوی دیگر، میدان سیاسی دهه ۵۰ را به میدان سیاسی مبارزه حق علیه باطل تبدیل کرد و جهان نمادین اسلام شیعی را در مقابل جهان نمادین پهلوی قرار داد. بطور کلی نمادسازیهای روشنفکرانی نظیر «آل احمد» و «شریعتی» از اسلام شیعی در مقابل غربگرایی رژیم پهلوی، نخست غرب ستیزی را تقویت کرد و دوم سبب شکل‌گیری ذهنیت جدیدی برای مبارزه با محوریت روحانیان شیعی با وجود کثرت گروه‌های سیاسی علیه رژیم پهلوی شد.» (استوار، ۱۳۹۹: ۷۱-۷۰). با استقرار نظام سیاسی جدید، مختصات این میدان سیاسی تداوم یافت و با آغاز جنگ، ابعادی نمادین پیدا کرد. جامعه ایران از یکسو تحت تاثیر آرمانها و نمادهای انقلاب رویکردی عدالت خواهانه پیدا کرد و از سوی دیگر به سبک زندگی اسلامی و برابری خواهانه علاقه مند شد. توجه به اسلام و مذهب تشیع از مهم‌ترین عناصر نمادساز جامعه ایران در این دوران بوده است. روحانیان به عنوان حاملان مشروع مذهب تشیع با تاکید بر عناصر نمادین و تقدس ساز آن نسبت به تقویت باورهای ذهنی جامعه مبادرت کردند و در بحبوحه جنگ، براحتی می‌توانستند افکار عمومی را در مقابل دشمن بعثی بسیج نمایند. به واقع بهره‌گیری از اسلام و عناصر نمادین آن به منبع اصلی مشروعیت بخش در مواجهه ایرانیان با دشمن متجاوز تبدیل شد. در نتیجه، رویارویی تمام کفر با تمام ایمان با دستگاه مفاهیم دفاع، جهاد، جناح کفر، استکبار، نابودی اسلام و غضب سرزمین اسلامی تبیین می‌شد و جنگ میان ایران و عراق در قالب مفهوم دفاع مقدس در اذهان ایرانیان مفصل بندی شد. اسلام انقلابی مهم‌ترین ابزار رهبران انقلاب در تقویت اعتماد به نفس جامعه به منظور بسیج سیاسی بود (ولی پور زرومی، ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۱۰). تحت تاثیر این نمادپردازی‌ها، جامعه ایران با تحول فکری و ذهنی تحت تاثیر نمادهای اسلامی - شیعی نظیر عاشورا، شهادت، کربلا و امام حسین (ع) تحولی شگرف یافت و سرزمین ایران و میدان نبرد را تبدیل به بهشت برین کرد. امام مهم‌ترین عامل در این نمادپردازی و تغییر اذهان جامعه بود. این نمادهای شیعه سابقه ای ۱۴۰۰ ساله داشتند اما به منظور تاثیر گذاری این نمادها بر روح و ذهن انسان‌ها نیازمند رهبرانی هستند که امکان برساخت نیروی فکری و ایمانی کنشگران انسانی را داشته باشند. توانایی امام در بکارگیری این نمادها به منظور تحول درونی جامعه ایرانی از مهم‌ترین تلاش‌هایی بود که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

ویژگی‌های رهبری امام خمینی(ره) در دفاع مقدس

جنگ تحمیلی را می‌توان در شکل‌گیری انسان تراز نوینی جستجو کرد که در بستر انقلاب اسلامی رشد و نمو یافت. انقلاب اسلامی به عنوان جنبشی معنوی و هویت ساز برای جامعه فراموش شده و به حاشیه رانده شده دهه ۵۰ شمسی به مثابه اکسیری نجات دهنده بود و جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی دو واقعه جدایی ناپذیر برای درک هویت و شناخت انسان تراز نوینی ایران به شمار می‌رود (پورسعید، ۱۳۸۴: ۳۷).

به واقع جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی دو رویداد متصل و همسو با هم برای علاقه مندان و پیروانش راهی برای رستگاری و عروج به ملکوت بود. امام خمینی (ره) به عنوان یک مرجع و رهبری عالی دینی واجد سرمایه نمادین، با تکیه بر خصلت صلابت، با زبانی ساده و قابل فهم برای توده ها سخن می گفتند و در بحبوحه انقلاب با تصمیمی قاطع برنامه خود را مبنی بر کناری شاه و سلطنت اعلام کردند. (استوار ۱۴۰۰: ۹۳). همین خصلت های با صلابت و زبان نافذ وی در دوران جنگ ایران و عراق نیز تداوم یافت و با ترکیب ویژگی های منحصر بفرد دیگر، تمامی نیروهای سیاسی و توده ها را در مقابل رژیم پهلوی بسیج کرد و رژیم پهلوی را با فروپاشی روبرو ساخت. ویژگی های فردی امام (ره) در دوران پس از انقلاب نیز تداوم یافت و در زمان حمله عراق به ایران منجر به بسیج توده ها علیه رژیم متجاوز بعثی شد. امام (ره) با تاکید بر گفتمان تکلیف محوری در هشت سال دفاع مقدس، هدف از جنگ را نه پیروزی بلکه جلب رضایت حق تعالی و جهاد در راه او را جهادی مقدس و جنگی مقدس نامیدند. وی به عنوان مرجعی دینی از آموزه های دینی اسلام، قرآن و سیره معصومین در مقابل تهاجم عراق استفاده می کردند و از این طریق نسبت به بسیج مردم مبادرت کرده و تمامی حوادث جنگ از فتح خرمشهر تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را در قالب دینی و مذهب شیعه تعبیر نمودند و بر قدرت مافوق انسانی در پیشبرد مبارزه و مردم اشاره می کردند. (شعبانی ساروئی، ۱۳۸۴: ۱۳۰). بنابراین به نظر می رسد دو عامل زبان و قدرت نمادین در بسیج توده ها علیه رژیم بعثی عراق نقشی مهمی داشتند. در ادامه به نقش آفرینی این ویژگی ها از سوی امام خمینی (ره) در رهبری جنگ اشاره می شود.

زبان نافذ

یکی از مهم ترین علل اطاعت بی چون و چرای جوانان و رزمندگان از امام، قدرت کلام و نفوذ زبان اوست. سادگی، صداقت و صلابت زبانی امام، ترکیبی منحصر بفرد در بسیج افکار عمومی بود. این ارتباط زبانی در کنار آموزه های اسلام شیعه ترکیبی معجزه آفرین در بسیج اجتماعی ایجاد می کرد. امام بارها با تاکید بر عناصر نمادین اسلام به خوبی این ترکیب معجزه آسا را در میان علاقه مندان و رزمندگان طرح می کردند. وی به سادگی مسایل جنگ را با مردم در میان می گذاشتند و با برساخت مفاهیم جدید، میدان نبرد میان ایران و عراق را به میدان کربلا و تقدس شهداء را به شهدای کربلا و خون شهیدان را به خون امام حسین (ع) تشبیه ساخته و صحنه مبارزه را بیش از پیش نمادین می ساختند. این زبان نافذ برای توده ها قابل فهم و در واقع بخشی از وجود و باورهای تاریخی جامعه ایرانی بود که امام آن باورها را با زبانی نمادین مورد تاکید قرار می دادند. امام درباره تحول فکری جوانان ایرانی معتقد بودند:

«این تحول، تحولی است که شرق و غرب نمی توانند بفهمند. آنها هر

چیزی می توانند بفهمند، همین در سطح مادیت اشیا را ارزیابی می

کنند که کدام پیروز شد، کدام پیروز نشد. در سطح معنویت اینها نمی

توانند اصلاً تصور کنند که یک کشور چهل میلیونی چطور متحول شده است به یک چیزی که جوانهایشان را می دهند و گریه می کنند که کاش یکی دیگر هم داشتند. دست و پایشان را از دست داده اند و تأثرشان به این است که من ندارم که باز [به جبهه] بروم! و این صحنه های بسیار نورانی که در جبهه ها [است] شما که هستید، بهتر از ما می دانید که چه صحنه هایی است.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، جلد ۱۶، ۳۱۵-۳۱۴).

این زبان ارتباطی مهم ترین عامل در رابطه دو سویه امام با رزمندگان دفاع مقدس بود و رزمندگان و جامعه ایرانی با این واسطه زبانی همدیگر را درک می کردند و سبب ساز اطاعت تام جامعه از امام می شد.

امام خمینی و برساخت قدرت نمادین

بر مبنای چارچوب نظری طرح شده، قدرت نمادین توسط افراد و تولیدکنندگان نماد ساخته می شود، یعنی نخبگان فکری و رهبران تاثیرگذاری که توان برساخت نمادها به منظور تسلط بر افکار عمومی را دارند. این تولیدات فکری نیازمند ساختارهای عینی آماده ای نیز هستند تا از این طریق تولیدات نمادین را پذیرا باشند. امام خمینی(ره) به عنوان رهبر یک انقلاب پیروز و نظام سیاسی تازه تاسیس بواسطه موقعیت مرجعیت دینی و زبان نافذ و ساختارهای عینی جامعه ایران مشتمل بر نفوذ مذهب شیعه از بیشترین مشروعیت نمادین برای رهبری جامعه برخوردار بودند. در مقطع انقلاب اسلامی رهبری امام با تکیه بر قدرت نمادهای شیعه به پیروزی رسید و با آغاز جنگ، جامعه انقلابی ایران، بار دیگر در معرض آزمونی دیگر قرار گرفت. جنگ ایران و عراق به عنوان آزمونی جدید، نقطه اوج نمادپردازی دینی در جامعه ایران بود. امام با اتکاء بر جهان نمادین اسلام شیعه، هم هویت و هم باورهای مذهبی مردم را در دفاع از وطن و نظام سیاسی تازه تاسیس مورد تاکید قرار دادند. یکی از مهم ترین مفاهیم نمادین در دفاع مقدس که در اسلام شیعه مورد تاکید بسیار قرار گرفته مفهوم ظلم ستیزی بود. در ذهنیت ایرانیان، امام خمینی(ره) امام حسین (ع) زمان بود که مورد ظلم قرار گرفته بود. در دوران انقلاب این شبیه سازی تاریخی، شاه را یزید زمان تعبیر می کرد و در دوران دفاع مقدس، صدام حسین به یزید زمان تبدیل شد و امام، مظهر مظلومیت و پاکی. این نمادسازیها در طول جنگ بطور دایمی برساخته می شد و با شهادت فرماندهان و رزمندگان، نمادهایی برای تقویت روحیه رزمندگان و جامعه ایرانی شکل می گرفت. شهید همت، شهید فهمیده و شهید باکری بخشی از این نمادهای دوران دفاع مقدس اند که در میدان جنگ برساخته می شدند و امام نیز رهبر نمادساز این الگوهای نمادین در جامعه ایرانی بودند. در فرهنگ سیاسی شیعی، مفاهیم کربلا و امام حسین (ع) مهم ترین مفاهیم تاثیرگذار در باورهای اعتقادی مردم است که هر ساله از سوی شیعیان

مورد تکریم قرار می‌گیرد. تا پیش از انقلاب اسلامی این مفاهیم بطور گسترده در جامعه ایرانی مورد توجه روشنفکران مذهبی و روحانیان قرار می‌گرفت و امام با توجه به میدان فکری ایرانیان از همین مفاهیم به منظور مبارزه با ظلم استفاده می‌کردند. بعد از انقلاب نیز این نمادها در میدان جنگ، از سوی جوانان و رزمندگان به طور گسترده بکار گرفته می‌شد.

با اتکاء بر فرهنگ شهادت و ایثار، نیروی انسانی جنگ و رزمندگان ایرانی با فداکاری کم نظیر بر موانع پیش آمده در جنگ فایق می‌آمدند و دشمن بعثی مجهز به سلاح‌های غربی و شرقی را با نیروی ایمان و اعتقاد به نمادهای شیعه وادار به عقب نشینی می‌کردند. فتح خرمشهر و شکست ارتش بعثی در بسیاری از عملیات‌ها بر مبنای همین باور و اعتقاد شکل می‌گرفت. بر اساس همین باور، امام بارها در سخنرانی خود بر این عناصر نمادین شیعه تاکید می‌کردند. به فرازهایی از این سخنان نماد ساز در تکریم شهادت و اولوهیت اشاره می‌شود.

«امروز ایران یکپارچه تحرک است، یکپارچه فعالیت است، یکپارچه هوای عشق به شهادت و هوای عالم غیب است. در رژیم‌های سابق، اسمی از این مسائل نبود.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، جلد ۱۵: ۴۰۲).

«الآن من گاهی که وصیتنامه بعضی از شهدا را می‌بینم یا وضع جبهه‌ها را می‌بینم یا شعارهایی که در جبهه‌ها - همان شبی که فردا احتمال دارد که شهید بشوند می‌بینم، می‌بینم که ملت، الهی شده است.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، جلد ۱۵: ۴۰۳-۴۰۲).

همانطور که در این سخنان امام تاکید می‌کنند، مفهوم شهادت، کربلا و امام حسین (ره) و اطاعت از امام و ولایت مهم‌ترین ویژگی پیروان تشیع است. تاکید بر نمادهای شهادت و کربلا نشان دهنده قدرت بسیج‌کنندگی این نمادها نزد ذهنیت ایرانیان است. از آنجا که قدرت نمادها در کاربرد آن نهفته است، امام با اتکاء بر این نمادها به خوبی موفق شدند باور و ذهنیت جامعه ایرانی را متحول سازند و نسبت به بسیج سیاسی جامعه ایرانی مقابل دشمن متجاوز بعثی مبادرت نمایند. هم‌چنین بر مبنای همین نمادپردازی‌ها، پایان جنگ به میدانی دراماتیک و سوزناک برای رزمندگان تبدیل شد و بعد از جنگ تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا این عناصر نمادین تداوم یابد. زیرا این عناصر نمادین به بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت رزمندگان تبدیل شده بود و دوری و گسست از آن حسرتی بزرگ می‌آفرید. در نتیجه پایان جنگ به عنوان پایانی نمادین مورد توجه قرار می‌گیرد:

«امروز از اخبار شنیده شد که به دبیر کل سازمان ملل روز اجرای آتش بس را اعلام خواهد کرد؛ و این یعنی خداحافظ شهادت، خداحافظ جبهه، خداحافظ فاو،

شلمچه، مهران... خداحافظ ستگرهای به ظاهر تاریک و در معنا نورانی، خداحافظ ای همه ی خوبان که در اجتماعی به نام گردان و در خانه ای به نام گروهان و در اتاقی به نام دسته و زیر چادری در کنار هم بودید و در این اجتماع کوچک به سوی الله سیر می کردید» (نبوی، ۱۳۸۴: ۹۵).

به طور کلی ایثار و فداکاری رزمندگان در دفاع مقدس نشان دهنده برقراری جاذبه ای شورانگیز میان آن ها و امام بود. این ارتباط عاشقانه و عارفانه در راستای انطباق با الگوهای تاریخی شیعه سبب می شد امام با نفوذ کلام و قدرت نمادینش تبدیل به منبع اطمینان بخش احاد رزمندگان شود و همگان رستگاری و عروج به ملکوت را از مسیر تحقق فرامین امام دریابند و در جنگ مشارکتی فراگیر داشته باشند. اخلاص و تکلیف گرایی، مصالحه ناپذیری بر سر حق، ریسک پذیری شخصی و هم نوایی و هم دلی با پیروان بخشی از ویژگی های پایدار امام خمینی (ره) در ارتباط صمیمانه با رزمندگان بود. (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۴). در طول جنگ هشت ساله، آموزه های اسلام شیعه از زبان نافذ امام خمینی (ره) تجلی می یافت و مردم از دریچه امام فراز و نشیب های جنگ را از منظری قدسی و آسمانی نظاره گر بودند. بنابراین امام با مالکیت و اعمال قدرت نمادین به بهترین شیوه سبب رونق جبهه ها و میدان نبرد جنگ شدند.

نتیجه گیری

جنگ هشت ساله ایران و عراق یکی از پر معناترین و نمادین ترین نبردهای تاریخ معاصر ایران به شمار می رود. میدان و مختصات این جنگ که با نام دفاع مقدس از آن یاد می شود از پیچیدگی های معنوی و فرا زمینی بسیاری برخوردار است که با عقلانیت سود و زبانی قابل درک نیست. فداکاری ها، ایثار و روابط صمیمانه و برادرانه رزمندگان و عشق و علاقه به شهادت و امام خمینی (ره) بخشی از خاطرات جنگ است که امروزه در وصیت نامه ها، آثار هنری و نوشته های رزمندگان و علاقه مندان تاریخ جنگ بازآفرینی می شود. در نتیجه این پژوهش تلاشی بود به منظور فهم علاقه وافر رزمندگان به امام خمینی (ره) از منظر درک مفهوم زبان و قدرت نمادین. بدین منظور پس از تبیین ابعاد نظری قدرت نمادین به عناصر نمادین اسلام شیعه و ویژگی های منحصر بفرد امام در رهبری و هدایت رزمندگان و جامعه ایران در دوران دفاع مقدس پرداخته شد. یافته های پژوهش نشان می دهد امام با ویژگی های زبانی، چهره و صلابت و با استفاده از نمادهای شیعه نظیر شهادت، امام حسین (ع) و ولایت، میدان سیاسی و اجتماعی جنگ را پر معنا و نمادین ساختند و با اتکاء بر نیروی عناصر اسلامی، میدان نبرد را به میدانی فرا زمینی و آسمانی بدل کردند. حفظ سرزمین، وطن، هویت، اسلام و ایران در پرتو این نوع رهبری در میدان جنگ صورت گرفت و همگان به واسطه عملکرد قدرت نمادین امام در میدان جنگ، از وی اطاعتی بی چون و چرا کردند و سبب آفرینش غرورآفرین یکی از نمادین ترین دوره های تاریخ ساز این سرزمین شدند.

– **References**

- Bashirieh, Hossein (2002). *Revolution and political mobilization*, Tehran: University of Tehran Publishing and Printing Institute. (In Persian).
- Bourdieu, Pierre (1990). *Outline of a theory of Practice*, Editor Richard Nice, Cambridge University Press.
- Bourdieu, Pierre (2005). *Language and Symbolic Power*, London: Polity Press.
- Bourdieu, Pierre and Walquant, Loicj.d. (1992). *An invitation to reflexive sociology*, The University of Chicago Press.
- Chubin, Shahram & Charles Tripp (1991). *Iran and Iraq at War*, Colorado, Westview Press.
- Corbine, Henry. (2005). *The relationship between Ishraq wisdom and ancient Iranian philosophy*, Traslated by Abdolhamid Roh Bakhshan, Tehran: Asatir Publication. (In Persian).
- Corbine, Henry. (2010). *History of Islamic philosophy*, Translated by Seyed Javad Tabatabaei, Tehran: Kavir Publication. (In Persian).
- Enayat, Hmid (2001). *Political thought in contemporary Islam*, Translated by Bahaeddin Khoramshaei, Tehran: Kharazmi Publication. (In Persian).
- Farzad Poursaeid, (2005). “Front, Close up of Emanicpated Men from Earthi: Perception of Ibrahim Hatami kia’s Cinematic Narration”, National Studies Journal, Volume 6, Issue 23, Pages 31-61. (In Persian).
- Hosseini, Hossein (2005). “Leadership and Social Mobilization in War: The Case of Sacred Defense”, Defense Policy Quarterly, Volume12, Issue 47, Pages 7-22. (In Persian).
- Khomeini, Emam (1999). *Sahifah Emam Khomeini*, volumes 15, 16, 19, Tehran: Moassese Tanzim & Nashre Asar Emam Khomeini. (In Persian).
- Naghib Zadeh, Ahamad (2002). *The influence of national culture on the foreign policy of the Islamic Republic*, Tehran: Printing and Publishing Center of the Ministry of Foreign Affairs. (In Persian).
- Ostovar, Majid (2013). *Islamic Revolution and War Symbols*, Tehran: Negahe Moaser Publication. (In Persian).
- Ostovar, Majid (2021). “The Role of Imam Khomeini's Cultural Capital in the Islamic Revolution of Iran”, Intercultural Studies Quarterly, Volume 15, Issue 45, Pages 61-80. (In Persian).
- Ostovar, Majid (2022). "A Sociological Study of the Symbolic Conflict between the Shah and Imam Khomeini in the Revolution of 1979 from the perspective of Pierre Bourdieu", A Quarterly Scientific – Research Journal on Islamic Revolution, Volume 11, Issue 41, Pages 85-101. (In Persian).
- Rajaei, Farhang (2014). *The problem of the identity of Iranians now: playing a role in the period of one civilization and several cultures*, Tehran: Ney Publication. (In Persian).
- Ramezan Shabaani Sarooi, (2005). “Public Defense Strategy and its Identity Effects”, National Studies Journal, Volume 6, Issue 23, Pages 123-143. (In Persian).

-
- Seyed Abdolamir Nabavi, (2005). “War Legacies”, National Studies Journal, Volume 6, Issue 23, October 2005, Pages 85-98. (In Persian).
 - Seyed Hossain Valipour Zeroomi, (2005). “National Identity & Sacred Defence”, National Studies Journal, Volume 6, Issue 23, October 2005, Pages 99-122. (In Persian).
 - Swarts, David (1997). *Culture and Power (the Sociology of Pierre Bordieu)*, The University of Chicago Press.
 - Tabatabaei, Seyed Javad (2005). *An introduction to the theory of Iran's decline*, Tehran: Negahe Moaser Press. (In Persian).
 - Tosi, Khaje Nezamolmolk (2010). *Siyasast Nameh*, by Abbas Eghbal Ashtiyani, Tehran: Asatir Press. (In Persian).
 - .